

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نهم
شماره ۱۰۷ - بهمن ۱۳۸۷ - فوریه ۲۰۰۹

درسهای نوار غزه و تزویرها

صهیونیستهای آدمکش اسرائیل که مانند نازیهای هیتلری رفتار می کنند با نقض قرار داد آتش بس که در ژوئیه سال ۲۰۰۸ با دولت قانونی و منتخب فلسطین منعقد گردید به نوار غزه بطور غیر قانونی حمله کردند. اسرائیل بدروغ مدعی می شود که دولت قانونی فلسطین توافقنامه مشترک را نقض کرده است. این دروغ آگاهانه توسط همه دستگاههای سرکوب و تحمیق افکار عمومی در جهان به نحو تهوع آوری تبلیغ می گردد. واقعیت این است که این صهیونیستهای اسرائیل بودند که در ۴ نوامبر برای نخستین بار با گشودن آتش و تجاوز به نوار غزه برای کشتار مبارزان فلسطینی به نقض قرارداد اقدام کردند. در متن قرار داد آمده است که دولت صهیونیستی باید به محاصره نوار غزه در عرض این ششماه خاتمه دهد تا بتواند یک آتش بس قابل قبول بوجود بیاورد، ولی دولت صهیونیستی اسرائیل از اجرای این ماده قرارداد طرفه می رود و برای فریب افکار عمومی به دروغ که طبیعت آنهاست متوسل می شود. ماههاست که صهیونیستها با همدستی عربهای ارتجاعی مردم غزه را به محاصره گرفته و مانع می شوند که مواد سوخت، غذایی، داروئی، پزشکی و امثالهم به آنها برسد. ۱/۵ میلیون انسان گروگان، صهیونیستها هستند، به آنها گرسنگی می دهند تا تسلیم شوند و به ننگ تن در دهند.

حال پس از ششماه که اسرائیل از اجرای مفاد قرارداد سرباز می زند و به محاصره نوار غزه با یاری، مصر، اردن، عربستان سعودی و محمود عباس و دستگاه الفتخس ادامه می دهد از دولت قانونی و منتخب فلسطین می طلبد که انصراف خویش را از مبارزه با اسرائیل بپذیرد تا محاصره نوار غزه خاتمه یابد. دولت منتخب و قانونی فلسطین به حق این درخواست اسرائیل را رد کرده و به مبارزه با صهیونیستها پس از طی دوران قرارداد ادامه داده است. مردم فلسطین و سازمان حماس اشغالگر نیستند در وطن خود زندگی می کنند. تجاوزگران، ... ادامه در صفحه ۲

تجاوز صهیونیسم به نوار غزه و کشتار بربرمنشانه آوارگان فلسطینی جنایت علیه بشریت است

در روز شنبه ۲۸ ماه دسامبر سال ۲۰۰۸، در آستانه آغاز سال جدید میلادی، در زمانیکه میلیاردها مردم جهان در پی تدارک جشن و سرورند، در شرایطی که رسانه های گروهی هم خویش را صرف انتشار اخبار جشن و سرور سال نو می کنند، دسیسه چپان صهیونیست به نوار غزه تجاوز کردند و به قتل عام مردم عادی پرداختند و برای این جنایت ضد بشری همراه با همدستان خویش جشن گرفتند.

۱/۵ میلیون مردم فلسطین در نوار غزه در سرزمینی به مساحت ۳۶۰ کیلومتر مربع بصورت متراکم زندگی می کنند و در محاصره اقتصادی و نظامی صهیونیستهای نازی اسرائیلی به سر می برند.

آنها متهمند که در یک انتخابات دموکراتیک و آزاد که اتفاقا با پا فشاری اروپائیا و سازمانهای امپریالیستی هوادار آنها برپا شد بر خلاف برنامه مشابه آنها در یوگسلاوی، گرجستان و اوکراین، مردم فلسطین سازمان حماس را انتخاب کردند و نه دارو دسته سازشکار محمود عباس را.

آنها متهمند که چرا مطابق میل امپریالیستها و صهیونیستها رای خود را به نامزدهای صهیونیستها و امپریالیستها نداده اند. آنها متهمند که در مقابل کودتای محمود عباس که در اقلیت قرار داشت و با یاری موساد انجام گرفت مقاومت کردند و مزدوران محمود عباس را تار و مار کرده و از غرور ملی مردم فلسطین بدفاع برخاستند. آنها متهمند که دموکرات نیستند و به دموکراسی مانند صهیونیستها و امپریالیستها احترام نمی گذارند و برای رای اکثریت ارزشی قایل نیستند.

آنها متهمند که در سرزمینی زندگی ... ادامه در صفحه ۳

تسلیم در مسئله اتمی خیانت به منافع ملی ایران است

تصور کنید یک گردن کلفت قلچماقی یقه یک رهگذر را می گیرد و تهدید می کند تا لحظه ای که وی نفس می کشد و مایملکش را به وی تقدیم نکرده است گریبان وی را رها نسازد. همدستان این قلچماق با چهره های معصوم از راه می رسند و از رهگذر می خواهند که خواست وی را بپذیرد تا گریبانش را رها کند.

این عفریته قلچماق به مردم روی کرده و می گوید ایهاالناس من حاضر من گریبان وی را رها سازم، من جنگ طلب نیستم، هوادار مصالحه ام و به خواست جامعه جهانی گردن می نهم ولی این پدر سوخته ی تروریست حاضر به مصالحه نیست و سر لجبازی دارد.

همدستان قلچماق پیشنهاد می دهند که رهگذر برای مصالحه مایملکش را به این راهزن از راه رسیده بدهد و غائله را بخواباند. استدلال آنها این است که هر دو طرف باید قدری کوتاه بیایند و رهگذر باید شرایط این مصالحه را بپذیرد. وگرنه معلوم می شود رهگذر سرناسازگاری دارد. این درک عدالتخواهی و حرمت گذاری حقوقی گردن کلفتهاست.

این وضعیتی است که در مورد مسئله غنی سازی اورانیوم در ایران پیش آمده است. امپریالیست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل از ایران می خواهند که از حق قانونی و طبیعی خود صرفنظر کند. ایران طبیعتا و بدرستی زیر بار این زورگویی نمی رود. آنوقت همدستان امپریالیست آمریکا از راه می رسند و ایران را در محاصره اقتصادی می گذارند و با ترور و تهدید تمامیت ارضی ایران را به خطر می اندازند، همسایگانش را علیه ایران تحریک می کنند، تجزیه طلبان را با پول سازمان "سیا" پروار و بسیج می کنند تا ایران از حق مسلم خویش درگذرد. پیشنهاد مصالحه آنها این است که اگر ایران از حق مسلم خود صرفنظر کند آنها حاضرند از محاصره اقتصادی ایران دست بردارند و مقداری ... ادامه در صفحه ۵

راهزن دریائی کیست؟

سیاست راهبردی امپریالیستی برای توسعه حیطه نفوذ

مطبوعات سرشار از حضور دزدان دریائی است که در دریای عدن در شاخ آفریقا راه را بر کشتیهای تجاری و تفریحی می بندند و با اخاذی کلان از شرکتیهای کشتیرانی و دولتها مربوطه آنها را آزاد می کنند. باین ترتیب راهزنان دریائی بر عبور نفت و انرژی جهان کنترل خویش را اعمال می کنند. در حقیقت یک بازار بورس نفت نیز در شاخ آفریقا بوجود آمده است. این بازی مدهتاست ادامه دارد و کشتیهای چینی، ایرانی، و اروپائی مورد تجاوز قرار گرفته اند ... ادامه در صفحه ۷

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

درسهای نوار ...

صهیونیستهای اسرائیلی هستند که همه قراردادهای جهانی را به زیر پا می گذارند. صهیونیستها به خیال خود می خواهند سازمان حماس را از بین ببرند. ولی آنچه در فلسطین است اراده شکست ناپذیر مردم فلسطین برای مبارزه با اشغالگران است. پیروزی حماس در انتخابات پیروزی خواسته های ملی مردم فلسطین است و باین مفهوم هر فلسطینی در نوار غزه یک حماسی است. اسرائیلیها با مردم طرفند و نه با یک گروه خاص. مقاومت مردمی را نمی توان با بمبارانهای بی وقفه و وحشیانه درهم شکست. اکنون هفته هاست صهیونیستها بیاری امپریالیستها با تمام ساز و برگ تسلیحات مدرنشان به نوار غزه وارد شده و هر لحظه سربازان تازه نفس تری به میدان می فرستند ولی هنوز نتوانسته اند ملتی را که در گرسنگی و تشنگی به سر می برند به تسلیم وادارند. صهیونیستهای نازی برای پیشبرد مقاصدشان از بمبهای فسفوری که استعمالش ممنوع است برای کشتن مردم فلسطین استفاده می کنند و برای توجیه جنایتشان بدروغ متوسل شده مدعی می شوند که کشتار مردم غیر نظامی زیر سر حماس است زیرا آنها مردم غیر نظامی را سپر بلای خود کرده اند. این هم نوع جدیدی از توجیه آدمکشی است که از دارو دسته جرج بوش در عراق و تجاوز به لبنان یاد گرفته اند. بمبهای خوشه ای که صهیونیستها در لبنان استفاده کردند تنها هدفشان نابودی مقاومت مردم و هدف قراردادن مردم غیر نظامی بود. حاشای نفرت انگیز این واقعیت چهره منحوس آنها را زیباتر نمی کند. واقعیت این است که سازمان حماس که مورد تأیید و انتخاب مردم فلسطین است نیازی ندارد که خود را پشت سر کسی پنهان کند، همه مردم فلسطین با اسرائیل مبارزه می کنند. این صهیونیستها هستند که باید خود را پشت ریاکاری پنهان کنند و به تزویر و جعل خبر پردازند. استعمال بمب فسفوری در جنگ که تفاوتی میان افراد نظامی و غیر نظامی در منطقه متراکم کوچکی از جمعیت نمی گذارد گواه روشنی بر ریاکاری صهیونیستهاست. انسان از این همه آدمخواری و بربریت دچار شگفتی و ناباوری می شود. هدف صهیونیستها نابودی ملت فلسطین و کشتار قومی است و نه نابودی یک سازمان خاص. مگر سازمان الفتح یک سازمان اسلامی بود که مورد نفرت صهیونیستها قرار داشت. این عجزه از آن جهت موجب احترام صهیونیستهاست که اجیر آنها شده است.

درس این جنگ نشان می دهد که صهیونیستها و امپریالیستها تا به چه حد به حقوق بشر پایبندند. آنها مدعی اند که مخالف "اجرای" حکم اعدامد ولی حاضرند میلیونها نفر را به مرگ تدریجی محکوم کرده و آنها را سر ببرند. تزویر و ریاکاری آنها در دفاع از حقوق بشر به خوبی روشن است.

غرب "متمدن" و غیر اسلامی شتابی ندارد که به این کشتار پایان دهد. غرب "متمدن" ابزار دادگاه کیفری جهانی را برای دستگیری ایهود اولمرت، ایهود باراک، خانم زیپی لیونی و جرج بوش به کار نمی اندازد تا مدعی دفاع از جان انسانها شود. آنها میلسویچ ها و الیشیرها را می خواهند. آنها ترجیح می دهند که به بهانه پادریانی و مذاکرات دیپلماتیک و پیشنهادهای بی مصرف و مسخره، مسئله را آنقدر کش بدهند تا اسرائیلیها ندا را به آنها برسانند که ما به اهداف خود رسیده و آماده دست کشیدن از کشتاریم. آنوقت تازه صهیونیستها حاضرند با انعقاد قرارداد اسارت آور نوار غزه را ترک کنند و محمود عباس کودتاچی را بر سر کار آورند. غرب "متمدن" تازه آنوقت با ساز و دهل فعال خواهد شد. این نمایش تا به چه حد خونین و منزجرانه است.

در این میان محمود عباس به عنوان دست دراز شده صهیونیستها عمل کرد. وی به کشتار مردم نوار غزه تن در داد و از اعتراضات فلسطینیهای ساحل غربی اردن بیاری سازمان جاسوسی اسرائیل جلوگیری کرد. زندانهای خویش را از فلسطینیها پر نمود و به جمع آوری اخبار و اطلاعات برای سازمان جاسوسی اسرائیل دست زد. تمام اطلاعاتی را که اسرائیلیها به خیال خویش برای کشتار رهبران حماس و یا پایگاههای آن در دست داشتند و به بمباران آن پرداختند، جاسوسان الفتح در اختیار آنها گذارده بودند. پلیس و دولت محمود عباس هم اسلحه و هم حقوقش را از اسرائیل می گیرد. پلیس محمود عباس پلیس اجیر صهیونیستهاست. آیا واقعا این مزدوران می خواهند از منافع ملی فلسطین دفاع کنند؟

محمود عباس پس از اینکه در کودتای نافرجام خود علیه نماینده اکثریت مردم فلسطین با شکست روبرو شد به ساحل غربی اردن فرار کرد. در ۹ فوریه ۲۰۰۹ دوران ریاست جمهوری این کودتاچی خودفروخته به اتمام رسید و همانگونه که دولت فلسطین اعلام کرد وی دیگر سمتی در این دولت ندارد. ولی این کودتاچی خود را مجدد رئیس جمهور اعلام کرده است و می خواهد انتخابات را در سال ۲۰۱۰ برگزار کند به

امید اینکه صهیونیستها کار مبارزان فلسطینی را که خواهان خیانت ملی نیستند در سواحل غربی اردن و نوار غزه بسازند. در این همدستی زشت، دولتهای مصر و اردن و عربستان سعودی همکاری رسمی می کنند. ترس عربستان از نفوذ ایران است و آنها حاضرند تمام مردم عرب فلسطین به قتل برسند تا مبادا اینکه ایران در فلسطین نفوذ پیدا کند. سرکوب مردم فلسطین و تارو مار کردن حماس که هرگز عملی نخواهد بود سرآغاز تدارک برای تجاوز به ایران است. صهیونیستها و امپریالیستها می خواهند از پشت جبهه خویش مطمئن شوند. همه ارتجاع منطقه نیز با آنها همدستند.

آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل از تصویب قطعنامه های ضد اسرائیلی جلو می گیرد و اجازه کشتار مردم فلسطین را صادر می کند. صهیونیستها برپیش تصمیمات سازمان ملل می خندند و کسی نیست این قدران را محاصره اقتصادی کند. همه این بشردوستان کاذب در حالیکه اشک تمساح به چهره دارند بی عملی عمدی خویش را در همدستی با صهیونیستها در کشتار مردم فلسطین در پشت کوهی از گفتار و عبارات پوچ می پوشانند. آمریکائیه از "وضعیت غیر انسانی" در نوار غزه که ظاهرا "وحشتناک" است مطلع شده اند باین جهت پیشنهادشان این است آتش بست های سه ساعته چند دقیقه ای بیشتر شود! تا حتما اسرائیل برای حمله بعدی تدارک ببیند. آقای بان کی مون دبیر کل بی و بو و خاصیت کره جنوبی در راس سازمان ملل "تیراندازیها" را محکوم کرده اند و آقای سرکوزی از فرانسه اساسا با عدم توجه به تناسب بکار بردن خشونت میان دو طرف اشتهای خویش را از دست داده اند. کوهی از عبارات بی پشتوانه و مزورانه گوش فلک را کر می کند. پیام آنها به صهیونیستها این است: "زود کلک کار را بکن و ما را خلاص کن ما حاضریم برای تشییع جنازه فلسطینیها به عنوان همدردی سنگ تمام بگذاریم". این حسابهای نابینایانی است که از مبارزه خلقها چیزی نفهمیده اند.

تمام اخبار ممالک "دموکراتیک" جعلی است. آنها جای متجاوز و اشغالگر را با قربانی تجاوز عوض می کنند. صهیونیستها از ورود خبرنگاران برای گزارشات جنگی جلوگیری کرده و اخبار دروغ پخش می کنند. آنها دستگاه عظیم سانسور و دروغپراکنی مبتنی بر نظم نوین جهانی بنا کرده اند. درس نوار غزه نشان می دهد که تا به چه حد این مزوران ... ادامه در صفحه ۳

کشتار مردم غزه جنایت علیه بشریت است

درسهای نوار ...

امپریالیست به "ارزشها"ی مدعی دارائی آن احترام می گذارند. بیک باره آزادی عقیده و



دموکراسی و حقوق بشر به سکه یک پول بدل شده است. معلوم می شود این مقوله را در دنیای امپریالیستها می توان در قبر مصلحت اندیشی دفن کرد. آزادی عقیده ای که به صلاح نباشد عقیده نیست. اخباری که به صلاح نظام نباشد یا سانسور می شود و یا جعل می گردد تا ماشین عظیم شستشوی مغزی به راحتی کار کند و انسانهای دم توپ، برای عملیات انتحاری امپریالیستی آماده گردانند.

کاروانهای دارویی، مواد غذایی، امدادهای اولیه و تیمهای پزشکی از ایران، یونان، روسیه، الجزایر، لیبی... در پشت درهای بسته "گتوی" غزه در صحرای سینا انتظار می کشند تا بتوانند به کمک مردم بشتابند ولی دولت مصر و اسرائیل از کمکهای انسانی آنها ممانعت می کنند.

مردم دنیا با شگفتی باین جنایات ضد بشری نگاه می کنند و به مبارزات اعتراضی خود در سراسر جهان ادامه می دهند که در رسانه های "دموکراتیک" اروپای "متمدن" یا بازتاب ندارد و یا معیوب منعکس می گردد. هیچ فرستنده اروپائی و آمریکائی حقیقت را که صهیونیستها ناقض قرارداد بوده و به جنایت علیه بشریت دست می زنند نمی گویند. همه آنها از موشکهای بی بو و خاصیت و دست ساز حماس سخن می رانند که گویا "هستی" اسرائیل را بر باد می دهد. همه جا سخن از "رادیکالها" و "اسلام سیاسی" است که بذر مسموم آنها توسط عمال نقابدار خود در طی سالها در دنیا تحت عناوین "دعوی دو قطب" پخش کرده اند به طوری که مثنی سفیه سیاسی به محکوم کردن دو طرف پرداخته اند. این سازمانهایی که دو طرف را محکوم می کنند برخلاف گفته ینی از بزرگان از خود قاتلان بدتر نیستند، اینها خود جنایت کارند و از فاشیستها بدترند. آنها بوئی از انسانیت نبرده اند. آنها همان کسانی هستند که همین سناریو را برای

ایران آرزو می کردند که در پارکابی امپریالیست آمریکا به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. آنها حالا باید شاهد نتایج تبلیغاتشان باشند. آن "فلسطینی" که در نوار غزه عربده بکشد "نه به حماس و نه به اسرائیل" انقلابی نیست، همدست صهیونیستها، فاشیستها و امپریالیستهاست و مردم فلسطین خودشان حساب این مالیخولیانیهای ضد انقلابی و پرت و پلاگو را می رسند. تجاوز صهیونیستها به نوار غزه درسهای گرانبهائی برای مردم ایران دارد.

مقاومت سرسختانه ملت فلسطین صهیونیستها را در بن بست قرار داده بطوریکه باید برای خلاصی از وضعیتی که هیچگاه از آن رها نخواهند شد دست بدامان امپریالیستها شوند. آنها به فرجام کار فکر نکرده اند. روزی باید نوار غزه را ترک کنند و آنوقت رهبری مبارزه مردم بدست کسانی می افتد که مقاومت کرده اند و نه اینکه مانند محمود عباس هیچکاره جاسوس اسرائیل بودند.



حماس را شاید بشود سرکوب کرد ولی آمال ملی مردم فلسطین را نمی شود سرکوب کرد و مردم بدنبال آن رهبرانی می روند که صمیمانه از این آمالها دفاع کنند. جنگی که در فلسطین درگرفته است جنگ صهیونیستها با "اسلام سیاسی" و "تروریستها" نیست. این جنگ حتی بعد از حماس هم ادامه خواهد داشت زیرا صهیونیستها از سلطه گری و آدمکشی و خرابکاری در منطقه دست برنخواهند داشت. مبارزه مردم منطقه علیه امپریالیسم، نمی تواند جدا از مبارزه علیه صهیونیسم باشد. و این درس بزرگ را مردم ایران باید بیاموزند و بدشمنان ایران هرگز اعتماد نکنند. امپریالیستها و صهیونیستها و نوکران ایرانی آنها نه تنها دوستان ایران نیستند بلکه دشمنان بشریت اند و نابودی آنها در خدمت منافع ملی همه خلقهای جهان است.

تجاوز صهیونیستم ...

می کنند که از زمان ظهور حضرت آدم و حوا یهودی نشین بوده، باید یهودی نشین بماند به این جهت باید فلسطینیهای "متجاوز" را

بدریاریخت.

آنها متهمند که به زیر قرارداد ننگین اسلو که محمود عباس آنها پذیرفته است امضاء نگذارده و حاضر نشده اند از مردم فلسطین رسماً بردگان صهیونیسم بسازند و در زندانهای پراکنده ای که تنها از طریق زیر زمین بهم راه دارند و یا حتی ندارد "وطن فلسطینی" با گذرنامه اسرائیلی بسازند.

پس با تکیه بر این اتهامات "روشن" آنها مجرمند و باید با محاصره اقتصادی گرسنگی بکشند تا تسلیم شوند. امپریالیستها و صهیونیستها و همه این لیبرالهای کلاش و مزور هوادار حقوق بشر و همه این سوسیال دموکراتهای ضد بشر و ضد دموکرات در مقابل این جنایت بزرگ ضد بشری سکوت کرده اند. آنها با ایجاد فضائی ضد اسلامی توسط تبلیغات عمال خود فروخته و یا خود خریده، توسط رسانه های گروهی برای شستشوی مغزی، توسط مبارزه ایندولوژیک و انتشار آثاری نظیر "جنگ فرهنگها"، زمینه سرکوب هر جنبش مقاومتی بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم را فراهم آورده اند و امروز به پاس این مغز شوئی ها، کشتن میلیونها انسان به اتهام "اسلامی"، "بنیادگرا"، "تروریست"، را جایز جا می زنند و می شمارند.

تلاش دشمنان بشریت، تلاش این ضد بشران "بشر دوست" برای بزانو در آوردن مردم فلسطین به جایی نرسید. دسیسه های آنها برای اینکه با بستن آب و غذا و دوا بر روی مردم فلسطین در اراده آهنین آنها خللی وارد آورد با شکست مفتضحانه ای روبرو شد. نوار غزه سمبل مقاومت گردید و نشانه ای برجسته در افشاء تزویر امپریالیستها و صهیونیستها. رسانه های گروهی این دشمنان بشریت، این "دموکراتها"، این "لیبرالها" از پخش اخبار در مورد نوار غزه و جنایات صهیونیستها خودداری می کنند و اساساً گزارش آنها قطع کرده اند.

در تجاوز اخیر آنها از کشتار و جنایات نازیهای صهیونیسم سخنی به میان نیآوردند تا آنها دست بازی در جنایت علیه بشریت داشته باشند. باراک(عوضی گرفتن با باراک اوباما اشکالی ندارد-توفان) وزیر دفاع صهیونیستهای اسرائیلی در سخنرانی خویش در مقابل مجلس اسرائیل "کینیت" مدعی شد که بمبها و موشکهای اسرائیلی هوشمندند و از کیفیت هدفگیری دقیق و بالائی برخوردارند. پرتاب این بمبها و موشکها در مناطقی که تراکم جمعیت غیرنظامی زیاد است صدمه ای به کسی - البته اگر سر راه موشک قرار... ادامه در صفحه ۴

رهبران آمریکا و اسرائیل باید بعنوان جنایتکاران ضد بشر در یک دادگاه جهانی محاکمه شوند

تجاوز صهیونیسم ...

نگیرد - نمی زند، زیرا که اهداف آنها تنها دستگاه نظامی و اداری سازمان حماس است. تعداد ۵۰۰ نفر کشته غیر نظامی در عرض چهار ساعت (روزانه سه هزار نفر-توفان) از این فریبکاری پرده بر می دارد. آقای باراک حتی برای این جنایت نیز دلیل "موجهی" در جیب بغل دارد. بنظر وی سازمان حماس از سپر مردم برای حفاظت خویش استفاده می کند. این بدان مفهوم است که موشکهای اسرائیلی بقدری هوشمندند که اهداف ایدئولوژیک را نیز شناخته و مورد حمله قرار می دهند. شامه موشکهای آنها نیز است و قادر به تمیز افکار هستند. این حضرات که با این بی شرمی سخن می رانند برای درجه فهم و مردم ارزشی قایل نیستند.

این حق مشروع ملت فلسطین است که اشغالگران صهیونیست نژادپرست را با هر وسیله ای که در اختیار دارد و حتی با چنگ و دندان از سرزمین فلسطین بیرون کند. فلسطین سرزمین ساکنان سنتی آن است، نه سرزمین صهیونیستها. حق مقاومت ملی مردم فلسطین یک حق مشروع و انقلابی است.

تا زمانیکه یک دولت صهیونیستی و نژادپرست و ضد دموکرات در منطقه وجود دارد، خلقهای منطقه روی خوش، آرامش و صلح و صفا را نخواهند دید. این دولت صهیونیستی متجاوز، سرپل امپریالیست آمریکاست و در تمام منطقه از هند و پاکستان گرفته تا عراق و ایران و لبنان و سوریه و اردن و شمال افریقا به خرابکاری مشغول است و امر تجزیه کردستان ایران و عراق را در سر می پروراند. وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی مبارزه با صهیونیسم در منطقه و حمایت از همه جنبشهایی است که سر امپریالیسم و صهیونیسم را متلاشی می کنند و پوزه آنها را به خاک می مالند.

مردم فلسطین حق دارند از سرزمین خویش بر ضد اشغالگران دفاع کنند، حلقه محاصره ضد بشری اقتصادی را بشکنند. استفاده از موشکهای کوتاه بردی که متاسفانه حتی قدرت تخریبی چندانی ندارد و دست ساز و نتیجه ابتکار مبارزان فلسطینی است، حق مشروع این ملت است. حال آنکه صهیونیستهای اسرائیلی با قدرت آتش عظیم خود تنها در یک حمله ۴ ساعته ۵۰۰ نفر را به قتل رسانده اند و ۱۷۰۰ نفر را زخمی نموده اند. همین امر باعث شده تا پاره ای محافل منتقد سیاسی خود فروخته و یا جاسوس صهیونیسم و یا مزور سیاسی مدعی شوند که در واکنش اسرائیل رفتار متناسبی دیده نمی شود. آنها نه به اصل آدمکشی

صهیونیستها بلکه به کمیت عمل آنها انتقاد دارند. کشتن ۵۰۰ فلسطینی در مقابل یک اسرائیلی به گوش خوش نمی آید. باید تناسب کشتار طوری باشد که به گوش مانوس آید. این نوع انتقاد دوستان صهیونیسم به این تجاوز بربرمنشانه ضد بشری است. واکنش ممالک "حامی حقوق بشر" جالب است.

دولت سرکوزی واکنش اسرائیل را متناسب با اقدامات فلسطینیها ندید و به آنها اندرز داد که کار را بیش از این خراب نکنند.

وزارت خارجه روسیه پرتاب موشک از جانب فلسطینیها را به سوی اسرائیل محکوم کرد و خواستار قطع فوری آن شد. استدلال نمایندگان امپریالیسم روس جالب است. آنها مزورانه مدعی می شوند از آنجا که نوار غزه مدتهاست در محاصره اقتصادی اسرائیل قرار دارد بهانه بدست ارتش اسرائیل که موافق صلح میان فلسطین و اسرائیل نیستند میدهد!!؟؟ تا با استناد به این دلایل جدید، تجاوز اسرائیل را توجیه کنند. ظاهراً روسها دلسوزی مزورانه در تائید اقدامات صهیونیستها می کنند.

خانم مرکل صدراعظم آلمان که همسر یهودی دارد فوراً در یک مذاکره تلفنی با ایهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل خواهان جلوگیری از تشدید خشونت در خاورمیانه شده و متفق القول با آقای اولمرت، حماس را برای خشونت کنونی مسئول شناختند(شاهد روباه کیه دمسه-توفان). خانم مرکل از حق مشروع اسرائیل برای حفظ مردم و سرزمینش حمایت کرد. بنظر ایشان نباید جای علت و معلول را عوض نمود. علت واکنش شدید اسرائیل در مقابل معلول که خشونت فلسطینیهاست می باشد. بنظر خانم مرکل خلق فلسطین که صدها سال در آن منطقه زندگی می کند و فلسطین سرزمین اصلی وی است از حق مشروع دفاع از خود و حفظ تمامیت ارضی سرزمین فلسطین برخوردار نیست، ولی مثنی صهیونیست که تنها حدود ۶۰ سال است که سر و کله شان از اروپا پیدا شده و این سر زمین را اشغال کرده اند، دارای همه حقوق "طبیعی و آسمانی" برای پیش بردن مقاصد ضد انسانی خود هستند. حتی اسرائیلیهای مترقی که همراه با فلسطینیها به تجاوز بربرمنشانه صهیونیستها معترض بودند با این ترهات موافقتی ندارند. آنها می دانند که در این موضعگیریها تنها هسته دشمنی و نفاق خوابیده است.

معاون دفتر سیاسی حماس هرگونه مذاکره با اسرائیل را رد کرد و خواهان آن شد که قبل از هر مذاکره ای باید اسرائیل به حملاتش

پایان داده و محاصره اقتصادی را برچیند. این خواست برحقی است و تو دهنی محکمی به یاران اسرائیل می باشد.

یکی از کارشناسان سازمان ملل متحد بنام آقای ریچارد فالک اعلام کرد که سیاست اسرائیل در نوار غزه ضد بشری و جنایتکارانه است. وی این سیاست جنایتکارانه را محکوم کرد. اسرائیل در پاسخ وی نه تنها مدعی شد مسئول این کشتار سازمان حماس است، بلکه آقای فالک را متهم کرد که تبلیغات ضد اسرائیلی می کند و گزارشش بی پایه است.

در لندن، پاریس، برلین، آتن، بیروت، امان، تهران، دوی، صنعا، قاهره، خرطوم ... صدها هزار نفر برای اعتراض به جنایات نازیهای صهیونیست به خیابان آمدند. جنبش عظیمی در ممالک عربی و اسلامی در حمایت از مبارزه مردم فلسطین آغاز شده است. دامنه این جنبش توده ای بقدری عظیم است که رژیم های ارتجاعی مصر، عربستان سعودی و اردن هاشمی رعشه مرگ بر اندامشان افتاده است. آنها که در پشت پرده با اسرائیل ساخته اند- و حتی وزیر امور خارجه اسرائیل قبل از تجاوز به نوار غزه برای ابلاغ اطلاعات به نزد حسنی مبارک حاکم مصر آمده بود- پاسخی ندارند که به ملت های خویش بدهند و نمی توانند بی عملی خویش و همدستی با اسرائیل را توجیه کنند. دولت مصر در محاصره اقتصادی نوار غزه همدست ارتش اسرائیل است.

ارتجاع منطقه بشدت در تحت فشار مردم این سرزمینها قرار گرفته است. اقدام اخیر صهیونیستها و مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین موج جدیدی از مقاومت ملت ها را علیه زورگویان جهان بر می انگیزد. منطقه به سوی مقاومتی همه جانبه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم کشانده می شود. صهیونیستهای کور بر روی مقاومت توده های مردم حساب نکرده بودند.

اسرائیلیها قبل از پایان دوره ننگین ریاست جمهوری جرج بوش در آمریکا و نخست وزیری ایهود اولمرت در اسرائیل به استفاده از این خلاء سیاسی که با دیده رضایت جرج بوش همراه است نیاز دارند. آنها می خواهند به بهانه مبارزه با سازمان حماس در حقیقت کار ملت فلسطین را بسازند و مقاومت آنها را که با محاصره اقتصادی به جایی نرسید درهم شکنند. آنها می خواهند زمینه را در اسرائیل برای پیروزی حزب حاکم که بشدت در اثر فساد مالی و شکست مقتضحانه در جنگ با حزب الله لبنان بی اعتبار شده است فراهم آورند. آنها... ادامه در صفحه ۵

صهیونیسم یعنی نژادپرستی، همدست امپریالیسم

تجاوز صهیونیست ...

می خواهند شکست در مقابل حزب الله لبنان را جبران کنند و پشت جبهه ایران را خالی نمایند و به ایران ضرب شست نشان دهند. شاید هم در مخیله خویش در سال جدید که رسانه های گروهی تعطیل است و اخبار جنایات منتشر نمی شود آهنگ تجاوز به حریم هوایی ایران را دارند.

امپریالیستها و صهیونیستها ببر کاغذی هستند زیرا وقتی ملتی اراده کرد اشغالگران را بدریا بریزد با هیچ ارتش و نیروی نمی توان در مقابل اراده این ملت ایستادگی کرد. تجربه ویتنام، کامبوج، لائوس، کره، افغانستان، عراق نشان می دهد که گورهای امپریالیستها و صهیونیستها را در منطقه مردم منطقه کنده اند. ما این اصل را در مورد عراق گفتیم و اکنون با صحت آن روبرو هستیم و امروز آنرا در مورد فلسطین تکرار می کنیم.

اما در داخل نوار غزه مردم فلسطین برای یک جنگ دراز مدت و خونین آماده شده اند. آنها نه تنها در این مدت سلاحهای لازم را انبار کرده اند، بلکه با استفاده از تجربه مبارزه مردم ویتنام در زیر خاک نوار غزه حتی تا داخل خاک اسرائیل تونلهای فراوان حفر کرده اند. ارتش اسرائیل برای حمله زمینی دچار تردید است و می تواند محاسباتش بطور کلی غلط از کار آید. شکست جدیدی در مقابل حماس در نوار غزه، افسانه شکست ناپذیری صهیونیستها را متلاشی می کند و روحیه نوینی از مقاومت و سلحشوری در میان مردم فلسطین ایجاد می گرداند. باراک وزیر دفاع اسرائیل که می خواهد تا نقطه پایان تلخ جنگ بتازاند این هدف را دنبال می کند که مبارزه مردم فلسطین را در این فرصت "طلائی" در هم شکند. حساب وی حساب چوپانه با کوزه روغنش است.

مبارزه مردم فلسطین حمایت جهانی خلقهای جهان را بدنبال دارد. اعتراضات جهانی گسترده آنهم در شرایط بحران مالی سرمایه داری ناجی صهیونیستها و امپریالیستها نخواهد بود، بر عکس مبارزه توده های مردم و طبقه کارگر را تشدید می کند. فضا را بر ضد نیروهای دست راستی تغییر می دهد و در عین حال نیروهای سازشکار فلسطینی را که با اسرائیل بر ضد مصالح ملت فلسطین مصالحه کرده اند بشدت به انزوا می کشاند و راه را برای نفوذ نیروهائی که خواستهای مردم و آمال ملت فلسطین را بیان می کنند باز می گرداند. تجاوز صهیونیستها به نوار غزه ناقوس مرگ محمود عباسها و حسنی مبارکهاست.

حزب کار ایران (توفان) تجاوز صهیونیستها و امپریالیستها را به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می کند.

حزب کار ایران (توفان) این جنایت را ضد بشری دانسته و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید. حزب کار ایران (توفان) از مبارزه انقلابی مردم فلسطین و آمال آنها برای اخراج اشغالگران صهیونیست حمایت می کند.

حزب کار ایران (توفان) از هر جنبش مقاومت یهودیان اسرائیلی بر ضد صهیونیستها و امپریالیستها حمایت می کند و آنرا شرط ایجاد فضائی بدور از سوء ظن برای یک زندگی مسالمت آمیز میان همه مردمان سرزمین فلسطین، مستقل از مذهب، بدور از تجاوز طلبی، نژادپرستی می بیند. زمانیکه مردم خود سخنگو شوند سخنان یکدیگر را خواهند فهمید.

کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان)

۲۰۰۸/۱۲/۲۹

تسلیم در مسئله اتمی ...

"قاعالی لی" به ایران هدیه بدهند. یکی نیست از این حضرات بپرسد که بر مبنای کدام موازین حقوقی و انسانی و قانونی و رسمی و منطقی به محاصره اقتصادی ایران دست زده اند. خود نفس محاصره اقتصادی ایران غیر قانونی و تهدید مضاعف است. قطعنامه های غیرقانونی شورای امنیت سازمان ملل نقض همه توافقنامه های جهانی است و از این ببعد هر توافقنامه مجمع عمومی سازمان ملل می تواند در شورای امنیت بزور امپریالیستها و تهدید آنها خالی از مضمون شود. شورای امنیت حق ندارد منشور و توافقنامه های جهانی را بی اعتبار کند. امپریالیستها با گردن کلفتی قانون جنگل را در جامعه ملل جا انداخته و طوری وانمود می کنند که این کارشان بسیار طبیعی است و حق مسلم آنهاست. آنها حتی این درک از نقض موازین حقوق جهانی را در افکار عمومی به عنوان امری بدیهی جا می اندازند و نوکران ایرانی آنها نیز آنرا تبلیغ می کنند. قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران برسمیت شناختن حق دخالت امپریالیستها در سرنوشت ملتهاست. تسلیم ایران به این گردن کلفتی یعنی برگشتن به وضعیتی که ایران اقدامی برای غنی سازی اورانیوم نمی کرد و وابسته به بازار اورانیوم غنی شده ممالک امپریالیستی باقی می ماند. در این میان ایران است که همه چیز خود را از دست می دهد و

امپریالیستها از حق دخالت در امور داخلی سایر کشورها و نقض موافقتنامه های جهانی برخوردار می شدند.

آنها برای فریب افکار عمومی مردم در حالیکه خودشان صدها بمب اتمی برای از میان بردن تمام منظومه شمسی دارند ایران را متهم به ساختن بمب اتمی در اختفاء می کردند و چون دلایلی برای اثبات دروغ خود ندارند نیافتن بمب اتمی و تاسیسات مربوط به آنرا حاکی از آن جلوه می دهند که گویا این بمب به صورت سری، دور از چشم انظار و سازمانهای پر پال و کوپال غرب و شرق در گوشه ای از ایران در غارها، کوهها و یا زیر زمینها در حال تهیه است. آنها استدلال می کنند چون ما هرچه گشته ایم کمتر یافته ایم پس دلیلی وجود ندارد که چنین بمبی موجود نداشته باشد. عدم توانائی ما دلیل عدم وجود بمب نیست. استدلال شگفتی است که از جیب بغل امپریالیستها در آمده و ما نتیجه کشتار چند میلیونی مردم عراق را از این استنتاجات دیده ایم. آنها که تمام سیاستشان بر اساس دروغ، سانسور، شکنجه و جعل اخبار است و تازه ترین آن کتمان عمق بحران مالی است که گریبان مردم را گرفته است و سیاستمداران کارگزار سرمایه داران در آن نقش مهمی بازی کرده اند، ایران را متهم به دروغگوئی می کنند و بر راست آزمائی تکیه می نمایند. باید پرسید که این دروغگویان چه مشروعیتی دارند تا درجه دروغ سایرین را محک زنند. از کی تا بحال جامعه جهانی باید نقش داور جهانی را به این دروغگویان بدهد که برای دیگران گواهی عدم سوء پیشینه صادر کنند؟

امپریالیستها بتدریج خود را مالک جهان جا می زنند، داور جهان هستند، هر اقدامی باید با مشورت و اجازه آنها انجام شود. آنها برای حقوق ملتها و دولتها و حقوق بشر پیشیزی ارزش قایل نیستند.

سرکوزی رئیس جمهور پرخاشگر و پرچانه فرانسه تا کنون ایران را چندین بار به بمباران اتمی و نابودی تهدید کرده است. کسی نیست از وی توضیح بخواهد که بر چه مبنائی وی این حق را برای خود و همدستانش قایل است؟ شانتاژ جرم است و باید شانتاژگر مورد تعقیب قانونی قرار گیرد. اسرائیل و آمریکا بارها تهدید کرده اند که به ایران حمله می کنند. به چه حقی، چه کسی این مزیت الهی را به آنها داده است؟ مگر آنها صاحب اختیار جهانند؟، مگر آنها از نژاد برترند؟، مگر آنها مزیت خاصی دارند که حق این فضولیه را بخود می دهند؟ مشت محکم خلقهای ... ادامه در صفحه ۶

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی است

تسلیم در مسئله اتمی ...

جهان چنین دهانه‌های هرزه گو و یاوه سرا و تهدید گر را خورد خواهد کرد. این سیاستی بود که جرج بوش در مورد ایران تا کنون اعمال می کرد و همه همدستانش نیز در نقض موازین حقوقی و پیمانهای رسمی جهانی با وی همدست بودند. خوشبختانه این سیاست ارتجاعی و امپریالیستی به نتیجه نرسید. دولت خاتمی در خیانت به منافع ملی ایران پیمان پروتکل الحاقی را که به امپریالیستها امکان می داد هر روز، هر ساعت و هر لحظه که اراده کنند به هر نقطه از ایران سرک بکشند، از تواناییهای علمی و نظامی ایران سر در آورند و از هیاتهای جاسوسی جهانی مخارج جاسوسی خویش در ایران را تامین کنند امضاء کرد. این پیمان به امپریالیستها امکان می داد با شناخت بیشتر و اطلاعات افزونتر هر لحظه که اراده کردند تمام این مراکز را پس از شناسائی اساسی نابود کنند. امضاء پروتکل الحاقی نقض حاکمیت ملی ایران بود و هست. باید این پروتکل ملغی شود. تجربه زنده عراق در پیش چشم ماست. امروز در آمریکا یکی دیگر از نمایندگان سرمایه داری بر سر کار آمده است و یکی از موارد مهم سیاست خارجی خویش را بررسی اوضاع ایران و پیدایش راه حل برای "بحران" اتمی ایران قلمداد کرده است. در لحن آقای اوباما تفاوتی با جرج بوش بنظر می رسد. وی سوگند یاد می کند که هرگز به وجود یک ایران اتمی تن در ندهد و یا اینکه حاضر است با اسرائیل قرارداد امنیت اتمی به امضاء برساند که به موجب آن هر حمله اتمی به اسرائیل را با بمب اتم پاسخ دهد. از این گفتار چنین بر می آید که آقای اوباما ظاهراً با اصل غنی سازی اورانیوم در ایران مخالفتی نداشته آنرا بر خلاف سلفش حق مسلم و قانونی ایران می داند ولی مخالف آن است که ایران به بمب اتمی دست یافته و فن آوری ساختمان این بمب را بیاموزد. لحن سخنانی که انتخاب کرده برای تسکین مخالفین غنی سازی و زمینه سازی برای کنار آمدن با ایران است. وی بارها گفته که مخالف جنگ با ایران است و ترجیح می دهد مسایل را از راه دیپلماتیک حل کند. وی تأکید کرده که سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی در دستور کارش نیست بگذریم از اینکه با یاری مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران اخته تر از آن است که کاری از پیش ببرد و یا فعالیت‌های جاسوسی مجاهدین نیز جز تف لعنت برای آنها چیزی نداشته است. ظاهراً باید مشکل حل شود. زیرا ایران بارها

اعلام کرده که در صدد ساختن بمب اتمی نیست و امکانات نظارت آژانس جهانی انرژی هسته ای را فراهم می آورد و آمریکا نیز با حق غنی سازی اورانیوم در ایران موافق است. پس چرا مسئله حل نمی شود؟ پذیرش این دو اصل یعنی بازگشت به وضعیت قبل از غنی سازی. وضعیتی که ایران از این حق قانونی برخوردار بود و آژانس بین المللی انرژی هسته ای نیز باید بر اساس مفاد قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی به ایران یاری می رساند تا ایران خودش قادر شود نیازهای خویش در عرصه تولید میله های سوخت از اورانیوم غنی شده را بر آورده سازد. ولی با این کنار آمدن نفوذ امپریالیستها در منطقه تامین نشده است و آنها هنوز نتوانسته اند نوکر بی جیره و مواجی در ایران بر سر کار آورند تا منافع سیاسی آنها را مانند عربستان سعودی و یا شیخ نشینهای خلیج فارس تامین کند. حلقه ایران در مدار سیاست استراتژیک آمریکا برای کنترل منابع انرژی در منطقه هنوز شکاف بردار است. آمریکا با پذیرش حتی حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم نتوانسته است بر مشکل اصلی خود که کنترل کامل منطقه است غلبه کند. امپریالیستها برای فریب افکار عمومی از بسته هائی صحبت می کنند که مشوق اقتصادی ایران است و با سیاست نان قندی و شلاق قصد دارند سر ایران شیره بمانند. آنچه به عنوان مشوقهای اقتصادی از جانب امپریالیستها طرح می شود حقوق طبیعی ایران است و نیازی ندارد که برای برآوردن آنها از کسی اجازه بخواهد. این مشوقها حتی در عرصه هائی بندهای اسارت به پای مردم ایران است و می خواهد از ایران یک کشور نیمه مستعمره بسازد. خواستهای امپریالیستها البته از این حدود فراتر می رود و از ایران می طلبند که دست از حمایت از "تروریسم" بردارد. آنچه از نظر تروریستهای غربی تروریست محسوب می شود عملیاتی است که بر ضد غرب و اسرائیل صورت می گیرد. برای امپریالیستها هر کس نوکر آنها نباشد تروریست است. فلسطینها، عراقیها، لبنانیها، ایرانیها، افغانیها، کره شمالیها، ونزوئلای ها، بولیوی ها، کوبائی ها و ... همه تروریستند زیرا در مقابل مطامع امپریالیستها مقاومت کرده و از تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی خویش دفاع می کنند. ایران باید سیاست خارجی خویش را به سیاست صهیونیستها گره بزند و در منطقه نوکر اسرائیل شود. این یکی دیگر از شرایط امپریالیستهاست که آنرا تنها ضمنی

بیان کرده و در پشت هیاهوی مبارزه با بمب اتمی موهومی ایران پنهان می کنند. در ایران هم چنین بنظر می رسد که جناحی از هیات حاکمه تلاش دارد با امپریالیستها حتی به بهای خیانت ملی و یا ادامه خیانت ملی کنار آید. و این راه نجات جمهوری اسلامی و نه ایران ارزیابی می کند. این عده یا بزدلان سیاسی بوده و یا از سیاست چیزی سرشان نمی شود. جناح دیگر که بر حق مسلم ایران در غنی سازی تکیه می کند در مورد پروتکل الحاقی دم نمی زند و آنرا سند خیانت ملی نمی داند. معلوم نیست این جناح با تکیه به کدام نیروی اجتماعی می خواهد در مقابل تهاجم جهانی مقاومت کند. تنها حکومتی می تواند متکی بر بلوف سیاسی نباشد که به خلق تکیه کند و مردم را برای منافع ملی بسیج کند و این امر بجز دموکراتیزه کردن جامعه ایران راهی ندارد. احزاب و سازمانهای سیاسی و سندیکاها باید آزاد شوند و حقوق مدنی و انسانی مردم باید برسمیت شناخته شود و گرنه رژیمهای ارتجاعی قادر نخواهند بود مقاومت ملی و ضد امپریالیستی را سازمان دهند و عریبه های آنها باد هوا خواهد بود و ارزش عملی ندارد. حزب کار ایران (توفان) بارها اعلام کرده است که از این حق طبیعی و مسلم مردم ایران دفاع خواهد کرد. هرکدام از جناحهای حاکمیت در ایران و یا همه آنها با هم که به این تسلیم تن در دهند و ایران را از حق غنی سازی اورانیوم محروم کنند خانن به منافع ملی ایران هستند. پاره ای از روشنفکران و فعالین سیاسی سرشناس و محبوب خواهان آنند که حداقل برای مدت کوتاهی از غنی کردن اورانیوم دست برداشته شود تا باب مذاکرات سر بگیرد. تعلیق غنی سازی اورانیوم یعنی آغاز تسلیم و صحه گذاری بر گردن کلفتی و آغاز یک پایان است. اگر امپریالیستها با اصل غنی سازی اورانیوم در ایران موافق باشند و ریگی در کفششان نباشد مرکز ثقل تبلیغات خویش را نه بر روی اصل غنی سازی اورانیوم بلکه بر سر چگونگی ممانعت از ساختن بمب اتمی قرار می دهند که تازه این امر نیز باید جنبه عمومی داشته باشد و نه اینکه قاعده خاصی برای ایران بتراشند. طبیعی است که اگر ریگی در کفش امپریالیستها نباشد هوادار کنترل بمبهای خطرناک اتمی دولت متجاوز و فاشیستی اسرائیل می گردند. ولی ما می بینیم که اثری از این امر نیست. از این گذشته آنها از ساخت نیروگاههای اتمی در مصر، ترکیه، امارات متحده ... ادامه در صفحه ۷

دست امپریالیستها از ایران کوتاه باد

تسلیم در مسئله اتمی ...

عربی در خاور میانه دفاع می کنند و با آنها قراردادهای دو جانبه می بندند. این خود نشانه دورویی امپریالیستهاست که می خواهند حق مسلم ایران را پایمال کنند. رژیمهای منطقه که همه قرار داد منع گسترش سلاحهای اتمی را امضاء کرده اند حق دارند که به ساختمان نیروگاه اتمی اقدام کنند ولی نباید افسار خویش را بدست امپریالیستها بسپارند و به صدور میله های سوخت از جانب آنها وابسته گردند. ولی بنظر می رسد که ممالک نامبرده تمایل زیادی به عدم وابستگی ندارند و ترجیح می دهند نوکر امپریالیستها و وابسته به آنها از نظر تامین آینده انرژی خود بمانند.

راهزن دریائی ...

مطبوعات می نویسند در سال گذشته ۴۲ کشتی مورد تجاوز قرار گرفته و ربوده شده اند.

ظاهراً وضع طوری است که از نظر حقوق ملل، دول مورد تجاوز که در فکر اقدامات تنبیهی هستند، نمی توانند به آبهای کشور سومالی که پناهگاه این شبکه است رسماً وارد شوند زیرا این عمل از نظر حقوق جهانی به معنی تجاوز به حریم آبهای ساحلی سومالی محسوب می شود. ولی تجاوز به آبهای ساحلی سومالی از سالها قبل بطور غیر رسمی آغاز شده است. شرکتهای بزرگ ماهی گیری امپریالیستی با کشتیهای صید ماهی بطور مستمر به حریم آبی سومالی تجاوز کرده و از عدم توانائی دولت ضعیف سومالی برای دفاع از تمامیت ارضی خویش منابع حیاتی مردم این کشور را ربوده اند. مقاومت مردم سومالی از آن لحظه در مقابل ناوگانهای تجاری و ماهیگیری امپریالیستها آغاز شده است.

مسئول چنین وضعی خود امپریالیستها هستند زیرا مانع از آنند که در کشور سومالی یک حکومت مرکزی بر سر کار آید. اتیوپی در همین چندی پیش برای ممانعت از روی کار آمدن حکومت "تروریستها" بصورت غیر قانونی به کشور سومالی تجاوز کرد و به کشتار مردم عادی پرداخت و حال باید این مشاوران جرج بوش از تجربه عراق و افغانستان یاد بگیرند و خاک سومالی را ترک کنند. کشور کوچکی و ضعیفی نظیر اتیوپی وقتی

بخود اجازه می دهد قوانین جهانی را لگد مال کند نباید تعجب کند اگر در فردا، کشورش توسط امپریالیستها و یا همسایگان دیگرش که بیشتر مورد توجه استعمارگران هستند اشغال شود. اتیوپی و ممالک نظیر که تعهدات جهانی را لگدمال می کنند خود اولین قربانیان نقض این تعهدات هستند. برعکس این ممالک ضعیف هستند که باید خویش را در پناه این تعهدات قرار دهند و بر اجرای بی پرو برگرد آن پای بشارند.

آمریکا و متحدش اتیوپی در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ در سرزمینی که دچار جنگ خانگی بود گلوله های ضد تانک رادیو اکتیو استفاده کردند و ساختمانها و صنایع زیر بنائی این کشور را از بین بردند. ارتش کشور سومالی فاقد تانک است و استفاده از گلوله های ضد تانک آلوده آمریکائی نمی توانست به بهانه نابودی تانکهای دشمن پرتاب شود، این اقدام فقط برای تفاله زدائی اتمی آمریکا بود. همان کاری را که آنها در یوگسلاوی، عراق و افغانستان بانجام رساندند و می رسانند. باین جنایت آمریکائیه و وضعی که با همدستی

اتیوپی متحد امپریالیستها در سومالی ایجاد شده است در نهمین نشست کمیسیون حقوق بشر در ژنو در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۸ اشاره رفت. یکی از سخنرانان در مورد سومالی در این نشست به اهمیت راهبردی این منطقه اشاره کرد. کشور سومالی طولترین مرز دریائی را در آفریقا دارد. این مرز دریائی برای انتقال نفت از سومالی و سودان که بر اساس تحقیقات از منابع عظیم انرژی برخوردارند اهمیت وافری دارد (طبق تخمین ۱۰ میلیارد بارل نفت). نه تنها لوله انتقال نفت که ساختنش به سوی سواحل مرزی آغاز شده بلکه وضعیت جغرافیائی این کشور که کانال سوئز و دریای سرخ و شاخ آفریقا را کنترل کند برای امپریالیستها مهم است.

حال این وضعیت در سومالی پیدا شده است. این راهزنان دریائی نه جغدی بر شانه و نه کشتی توپدار دارند و نه یک چشمشان کور است. برعکس هر دو چشمشان باز است و با قایقهای سریع کوچک از عقب به کشتیها و ناوگانهای بزرگ که قدرت مانور ندارند حمله می کنند و چون تا دندان به سلاحهای سبک مجهزند فوراً این کشتیها را به گروگان می گیرند. تاکتیک نظامی آنها بسیار جالب است و از کارکشتگی آنها حکایت می کند. بیش از صدها کشتی مورد تجاوز این گروههای "راهزن" قرار گرفته است. این راهزنان دریائی ظاهراً از چنان نیروئی برخوردارند و از چنان شبکه وسیعی رهبری می شوند که قادرند باجهای کلان را از دولتها

و شرکتها در همه جای دنیا دریافت کنند و آنها را به مراکز از قبل تعیین شده برسانند. جالب آن است که این راهزنان هر کشتی معمولی را مورد تجاوز قرار نمی دهند و در این تجاوز انضباط خاصی را رعایت می کنند. از عجایب آنکه آنها از قبل، از رسیدن این کشتیها خبر دارند، ساعت ترک از بندار، مقصد آنها و تاریخ ورودشان را به سواحل سومالی و حتی بدریای عدن می دانند. گفته می شود که سازمان خبررسانی آنها در بندار مهم از جمله دوی بسیار فعال است.

پس از جنجالی که ممالک امپریالیستی بر سر این راهزنان دریائی بر پا کردند و اظهار داشتند که در دریای آزاد به یاری کشتیها خواهند رفت و جریانهای مشکوک را کنترل می کنند دولتهای روسیه، ایران و چین هم تقاضای سهم کردند و کشتیهای خویش را به منطقه فرستادند تا در این عملیات جهانی سهیم باشند و از رقبا رودست نخورند. همه فهمیدند که در پس پرده مبارزه با راهزنان دریائی پرده پوشی برای راهزنی دیگری قرار دارد.

سیر حوادث نشان می دهد که در پشت این عملیات راهزنان دریائی واقعی نهفته اند. آنها به صورت غیر قانونی از رقبا باج می گیرند و بطور غیر رسمی تنگه های مهم جهانی را از نظر راهبردی چه سیاسی و چه اقتصادی کنترل می کنند. این کنترل متکی بر هیچ ضابطه و موازینی نیست و خودسرانه انجام می گیرد. مثلاً اگر آمریکائیها و یا آلمانها و فرانسویها بخواهند یک کشتی "مشکوک" روسی، چینی و یا ایرانی را کنترل کنند نیازی به هیچ اجازه نامه ای ندارند، می توانند خودسرانه با استناد به حضور راهزنان دریائی با صحنه سازی به تمامیت ارضی و حقوق دریائی این ممالک تجاوز کنند و اطلاعات جاسوسی بدست آورند و کنترل نظامی منطقه را به بهانه مبارزه با راهزنان دریائی بدست آورند. با جار و جنجال تبلیغاتی و آماده کرده افکار عمومی در طی ماهها و سالها زمینه را برای کسب رای تقلبی در شورای امنیت سازمان ملل بدست آورند و به خاک سومالی به بهانه تعقیب راهزنان دریائی وارد شوند. راهزنان دریائی که در پشت پرده اند با این سیاست راهزنانه نظارت راهبردی خویش را بر این منطقه گسترده اند. آنها می خواهند از نفوذ چین و روسیه در آفریقا جلوگیری و از هم اکنون یک جنگ پنهانی و "خصوصی" را در مرزهای آبی ساحل شرقی آفریقا با ممالک "شور" شروع کرده اند.

بنظر می رسد ... ادامه در صفحه ۸

تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق را بی قید و شرط ترک کنند

ماجرای فروش اسلحه قاچاق به کنیا در داخل اوکراین نیز با مشکل روبرو شد و کار اقتضای بالا گرفت زیرا که دولت اوکراین از فروش سه میلیارد دلار اسلحه تنها ۱۵۷ میلیون دلار آنرا به حساب دولت واریز کرده بود. رئیس جمهور اوکراین که از رهبران "انقلاب نارنجی" در اوکراین است یعنی همان آقای ویکتور یوشچنکو معروف و "دموکرات" مسئولیت صادرات اسلحه را بعهده دارد. آقای ویکتور یوشچنکو به جای پاسخ به اعتراضات نمایندگان مجلس، مجلس را بر اساس اختیارات "دموکراتیک" خویش منحل اعلام کرد.

اما این شورشیان مسیحی جنوب سودان چه کسانی هستند. آنها متحدین شورشیان دارفو می باشند که در غرب سودان مورد تعقیبند. دول امپریالیست غرب می خواهند برای رقابت در آفریقا و سلطه بر آنجا زیر پای چین را که از نفوذ فوق العاده ای در آفریقا و سودان برخوردار است جارو کنند. قربانیان این دسیسه امپریالیستی مردم عادی سودان اعم از مسلمان و مسیحی هستند. همین چندی پیش دادگاه کیفری جهانی که یک ابزار امپریالیستی برای باجگیری و فشار بین المللی است قصد داشت رئیس جمهور سودان آقای البشیر را دستگیر کرده و در لاهه محاکمه کند. تمام رسانه های غرب برای فریب افکار عمومی باز "لولوی اسلام سیاسی"، "تروریستها"، "بنیادگرایان مسلمان" را بعنوان خوراک تبلیغاتی علم کرده اند. عملیات راهزنان دریایی در سودانی پته همه این دسیسه ها را برهم ریخته و نشان می دهد که به چه مناسبت کشتیهای ایران و چین نیز به دریای عدن وارد شده اند. جنگ در آفریقا در سال ۲۰۰۹ بشدت تشدید خواهد شد و آتوخت امپریالیستها به بهانه کشتارهای قومی که خود مسبب آن هستند اشک تمساح خواهند ریخت. در حالیکه جنگ بر سر توسعه منطق نفوذ و کسب مواد اولیه است.

در آفریقای مرکزی ایالات متحده آمریکا هندوانه زیر بغل آقای پال کاکیم صاحب قدرت در رواندا می گذارد و وی را تشویق می کند متحدین راهزن توتسی در کنگو را به طغیان وادارد. "... و اشنگن در سودانی اجازه می دهد شبکه تروریستی مظنونی را بمباران کنند. امریکه تلاشهای صلحجویانه سازمان ملل را دشوار می سازد." آفریقا در اثر دسیسه های امپریالیستها در آتش کشتارهای قومی، محاصره اقتصادی و سایر جنایتهای ضد بشری از چاد گرفته تا سودان، سودانی، نیجریه، ... ادامه در صفحه ۹

قرار دهند. در شورای امنیت نظر مشترکی پیدا نمی کنند. باین جهت جنگ افروزان در دارفو به جنایت ادامه می دهند" (توجه کنید اگر پای منافع اروپائیا در کار بود نام این کار را جنایت نمی گذاشتند و مبارزه با تروریسم می نامیدند- توفان).

حال به خبری که نشریه آلمانی اشپیگل در شماره ۴۸ خود در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده است توجه کنید: "دوازده کشتی ربنده شده در حال حاضر در سواحل سفید شنی ایل Eyl قرار دارند. در میان آنها بارکش ویژه اوکرائینی "Faina" است که پنجاه روز است وجود دارد. بار این کشتی ۳۳ تانک برای یک گیرنده مشکوک آفریقائی است (به نقل از اشپیگل شماره ۴۱). باج درخواستی در مذاکرات اخیر مبلغ ۸ میلیون دلار است...". همین نشریه در شماره ۴۲ خود در توضیح بیشتر می نویسد: "زمانیکه راهزنان سودانی در دو هفته قبل بارکش اوکرائینی فاینا را ربودند با ۳۳ تانک نوع ت-۷۲ روبرو شدند. دولت اوکراین و کنیا مدعی اند که این سلاحها برای ارتش منظم کنیاست. معذالک پاره ای قراین سازمانهای جاسوسی و نظامی این حدس را تأیید می کند، کنیا در واقع با این تانکها در صدد تجهیز دستجات شورشی SPLA در جنوب سودان که کشوری از نظر سیاسی بی ثبات است، می باشد." نشریه مذکور در مقاله مفصل خود بر اساس اسناد و مدارک نشان می دهد که این محوله نظامی فقط بخشی از تسلیحاتی بوده است که در اختیار دولت کنیا قرار داده شده است. نخستین محوله در نوامبر گذشته در بندر مومباسا تحویل داده شده است. در اواخر سال گذشته شرکت ACO Shipping بریتانیائی متعلق به شرکت Isle of Man از یک شرکت کشتیرانی آلمانی تقاضای کرایه یک کشتی بارکش برای بار سنگین نمود. این کشتی عازم اکتابرسک Oktjabrsk در اوکراین شد. در آنجا از شرکت دولتی "اوکراین ماش" ۴۲ تانکهای شوروی ت-۷۲، ۱۵ ضد هوایی، دو دستگاه بزرگ سلاحهای پرتاب موشک، ۲/۲ تن گلوله ضد تانک و در مجموع ۹۵ تن کلاشینکوف با تمام وسایل یدکی اش بار زد. این کشتی با توقف در اسرائیل سلاحهایش را در ماه ژانویه به مومباسا رسانید. این سلاحها برای شورشیان مسیحی جنوب سودان در نظر گرفته شده اند. دولت کنیا تحت عنوان اینکه ما در مورد امنیت ملی خود تقسیری برای گفتن نداریم از زیر بار اظهار موضع صریح در رفت. جالب آن است که دولت کنیا ظاهرا دولت صلح در شرق آفریقا قلمداد می شود.

راهزن دریایی ...
که باید شبکه راهزنان سودانی از حمایت یک مافیای بزرگ جهانی برخوردار باشد که آنها را مرتب مجهز می سازد. در پس پرده تنها منافع سیاسی امپریالیستها نهفته است که با این صحنه سازی حضور دائمی خویش را در منطقه، افزایش تجهیزات خویش را در دریاها توجیه کنند و به اشغال ممالک بپردازند. جغد شوم راهزنی بر شانه امپریالیستها نشسته است که هر روز به شگرد جدیدی متوسل می شوند. یک روز در عراق بمب اتمی و کارخانه های مواد میکروبی "کشف" می کنند و میلیونها نفر را کشته و بی خانمان می نمایند و یک روز هم راهزن دریائی مانند فیلمهای هولیوید در دهانه دریای سرخ و شاخ آفریقا که محل جولان امپریالیست فرانسه است ایجاد می کنند.

یکی از عرصه های جنگ امپریالیستی در آینده آفریقا است. این کشور مملو از مواد اولیه است که مورد نیاز ممالک امپریالیستی است. از هم اکنون نزاع گاه پنهان و گاه آشکاری برای نفوذ در منطقه در گرفته است. کشور سرمایه داری چین توانسته با وامهای دراز مدت و کم بهره و شرکت در ساختمان صنایع زیر بنائی در آفریقا محبوبیت خوبی برای خویش کسب کند و در ممالک سودان و سودانی و پاره ممالک دیگر آفریقائی از نفوذ قابل توجهی برخوردار شود. هم اکنون شرکت نفت دولتی چین (ث. ن. او. او. ب. CNOOC) اجازه نامه پژوهش برای یافتن نفت را در سودانی بدست آورده است. این شرکت مشترک طبق قرار دادی در ماه مه ۲۰۰۶ تولید و استخراج نفت را در دستور کار خود قرار داده است. این قرار داد در ماه نوامبر سال ۲۰۰۶ در مذاکرات سران چین و آفریقا در پکن مابین طرفین منعقد گردید و دولت چین تضمین کرده است ۵۱ درصد در آمد نفت را در اختیار دولت سودانی بگذارد.

نشریه فایننشال تایمز کوم مورخ Financial times. com ۲۰۰۸/۱۲/۲۹ در رابطه با نفوذ چین در آفریقا به سخنرانی آقای بارنی بیسن Barney Jopson در نایروبی در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۷ تحت عنوان "نفت سودانی- معامله ای برای چین" اشاره کرده است و می نویسد که "کشور سودانی منطقه خارج از نفوذ شرکتهای نفتی آمریکاست".

نشریه زود دوپچه تسایتونگ در تاریخ ۲۰۰۹/۰۱/۰۲ در مورد رقابت امپریالیستی برای تسلط بر آفریقا می نویسد: "چین و آمریکا مواظب همدیگر هستند. هر دو می خواهند منابع نفت کناره نیل را مورد استفاده

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

راهزن دریائی ...
 زیمباوه، صحرا، رواندا، کنگو ... می سوزد. امپریالیستها نعره حمایت از حقوق بشر را سر می دهند ولی خود بزرگترین ناقضین جنایتکار حقوق بشرند. نقض حقوق بشر از جانب آنها با مودیگری و دسیسه چینی و شستشوی مغزی است. حال با علم کردن وجود راهزنان دریائی در سومالی راه را برای تجاوز به سواحل شرقی آفریقا برای کنترل چین، هند، روسیه و ایران باز کرده اند. این بار حتما باراک اوباما در سومالی کارخانه های تولید بمب اتم و سلاحهای کشتار جمعی کشف خواهد کرد. عربستان سعودی با رضایت آمریکا در ممالک اسلامی آفریقا به نفوذ پرداخته تا آنها را علیه دشمنان متحد آمریکائی خویش بسیج کند، ایران نیز که خطر تهدید منافعش را در شاخ آفریقا حس کرده است ناوگان جنگی به منطقه دریای عدن فرستاده و در ممالک اسلامی آفریقا بدنبال منطقه نفوذ می گردد. این بار ایران همدست امپریالیستهای آمریکائی در یوگسلاوی نیست تا در خدمت منافع امپریالیستها یوگسلاوی را تجزیه کند و مردم مسلمان بالکان را بی خانمان نماید و مهر ننگی بر پیشانی جمهوری ارتجاعی اسلامی بکوبد که نقش ارتجاعی و خائنه ای در خدمت منافع امپریالیستها در بالکان و ایجاد ممالک مصنوعی نظیر بوسنی هرزه گوین و کوزووو ایفاء کرد. این بار ایران مانند چین و روسیه و هند حس می کند خطری در بیخ گوشش در حال رشد است. گرگاه تضادها در کنار خاور میانه و خلیج فارس به دریای عدن منتقل می شود و بهمین جهت دولت یمن به حضور تجاوزکاران بیگانه در منطقه اعتراض کرده و مخالفت خود را از نظامی شدن دریای عدن اعلام کرده است.
 باید منتظر درگیریهای تازه در آفریقا و خاورمیانه بود. جنگ بر سر مواد خام و تصاحب آن آغاز شده است. باید از دسیسه های امپریالیستی در منطقه برحذر بود و از ماجراجوئی پرهیز کرد. مردم منطقه باید در پی آن باشند که رژیمهای ارتجاعی حاکم در ممالک خویش را سرنگون کنند و حاکمیت مردمی را مستقر نمایند. این جنگ یک جنگ امپریالیستها بر ضد ملل آفریقا است. مردم آفریقا باید با تمام قوا بر ضد امپریالیستها و اخراج آنها از آفریقا مسلح شوند، مسلمان و مسیحی و دارندگان مذاهب دیگر باید در کنار هم قرار گیرند. آن سفید پوستانی که در آفریقا با

امپریالیستها همدستند نظیر سفید پوستان خرابکار و جاسوس در زیمباوه و یا آفریقای جنوبی باید بشدت سرکوب شوند تا امپریالیستها نتوانند از عمال سابق استعمار برای بسط نفوذ خود استفاده کنند.

قطعنامه کنفرانس بین المللی ...

زد. از این پس، تازه بحرانهای و کشمکشهای پی در پی شروع شدند: بسال ۱۹۹۳، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی، همراه با رکود اقتصادی در اروپا و ژاپن. تا اینکه بحران جاری بوجود آمد - که خود بیانگر مشکلات تلمبار شده در گذشته است. از قضا اقتصاددانان بورژوا نیز بر همین باورند و گفته اند که بحران جاری بی شباهت با بحران سال ۱۹۲۹ میلادی نیست.

یکی از مختصات بحران جاری - که بُروزی متمایز با بحرانهای محدود پیشین دارد - این است که در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت و از اینجا به سراسر جهان گسترش یافت. بحرانی است با ابعاد وسیع که نخست در عرصه گردش و مالی نمایان شد، اما ریشه در اقتصاد مولد دارد. سخن بر سر یک بحران نسبی اضافه تولید است. در این حالت، اجناس تلمبار شده و بفروش نمی روند. نظر به کمبود پول در دست طبقه کارگر و مردم بطور کلی، مصرف فرآورده ها و خدمات در نظام سرمایه داری و امپریالیسم بشدت در تنگنا قرار میگیرد - که خود معرف هرج و مرج در شیوه سرمایه داری تولید است. پس طولی نکشید که اقتصاد در آمریکا، انگلستان، آلمان و... با رشدی منفی روبرو شده و رفته رفته تولیدات صنعتی را نیز دربر گرفت.

تجربه نشان داده که وضعیتی از این دست امکانات سرمایه داری برای تقلیل تاثیرات بحران را کاهش میدهد. بسال ۲۰۰۱ میلادی، سرمایه داران موفق شدند تا بحران موجود در آن زمان را با توسل به تدابیر مالی بر طرف کنند - کاری که امروز دیگر برایشان مقدور نیست. در مقابل، ما بر این باوریم که بحران جاری بسمت گسترش و تعمیق گرایش دارد و نتایج آن، صرفنظر از امکان یک تحول اتفاقی! همه کشورها را در بر خواهد گرفت. این بحران، ریشه در تشدید تضادهای لاینحل سرمایه داری دارد - در هرج و مرج در

تولید، در رقابت و در تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و تملک خصوصی بر ثروت بطریق اولی. ناگفته نماند که بحران جاری معرف شکست سیاستهای نئولیبرالی نیز هست. بحرانی است که در بطن آن معضلات مستغلاتی و انرژی و تغذیه و محیط زیست هم جای گرفته اند.

نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی انحصارات قصد آن دارند که بار سنگین این بحران را بر دوش کارگران تمام کشورها، بر دوش خلقها در کشورهای وابسته منتقل کنند. که خود حکایت از شدت تضادهای اساسی نظام سرمایه داری - امپریالیستی و تهاجمات آن دارد (تضاد کار و سرمایه، تضاد میان امپریالیسم و خلقها، تضاد داخلی انحصارات و تضاد میان امپریالیستها).

با وجود کمکهای انبوه مالی دول امپریالیستی از دارائی ملی، بانکهای بزرگ و بنگاههای مالی یکی پس از دیگری از پا در می آیند، واحدهای ریز و درشت صنعتی ناگزیر تعطیل می شوند، ادغامهای جدید بانکها و بنگاهها بسود بعضی و بزبان شماری دیگر انجام گرفته است.

در مقابل، مدتی است که کارگران در زیر فشار بحران قرار دارند: صدها هزار کارگر و در همه کشورها اخراج شده اند. همین امسال و فقط در ایالات متحده، بیش از دومیلیون کارگر بیکار شدند. دستمزدهای کاهش مییابند و حقوق و دستاوردهای اجتماعی بزیر سؤال رفته اند - با فرض اینکه هنوز از میان نرفته باشند.

بحران جاری یکبار دیگر نشان داده که تکامل و پیشرفت اجتماعی خلقها در چارچوب سرمایه داری امکان ندارد، و اینکه آزادی طبقه کارگر و خلقها مقدر نیست مگر با انقلاب و استقرار سوسیالیسم. پیش بسوی نبردی فراگیر!

ما کمونیستها، مارکسیست - لنینیستها، مسئولان بحران جاری و همه آنانکه از این بحران سود میبرند، امپریالیستها و انحصارات، خاصه امپریالیسم آمریکائی شمالی را متهم و محکوم میکنیم. ما سیاست آنها را که میخواهند بار سنگین این بحران را بر دوش کارگران سوار کنند، محکوم کرده و اینقدر میرزمیم تا انحصارات و ثروتمندان را به جبران ضایعات ناشی از این بحران وادار نمائیم.

در این راستا، ما از کارگران میخواهیم که در قبال اخراجها، در قبال محدودیتهای حقوقی و برای... ادامه در صفحه ۱۰

لیبرالیسم امپریالیستی، ضد حقوق بشر، دموکراسی و آزادیست

قطعه نامه کنفرانس بین المللی ...

حفظ دستاوردهای اجتماعی جبهه ای وسیع بوجود آورند. ما طالب افزایش دستمزدها و درآمدها هستیم. اتحادی بزرگ از خلقها لازم است تا بتوان در برابر پرداخت قروض خارجی و خصوصی سازی خدمات ایستاد.

ما طالب وحدت نیروهای دمکراتیک، میهن پرستان، چپ و انقلابی برای مقابله با بحران جاری هستیم. مطلوب ما فقط با مبارزه بدست می آید که سرمایه داری و امپریالیسم مانع حصول آنند.

سان دیاگو- جمهوری دومینیکن/ نوامبر ۲۰۰۸

کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست- لنینیستی

مراسم سوگواری تولد...

همه ما دید. عرق سردی بر پشت ما در این سرمای زمستان جاری شد. هر که فکر می کرد که کاشکی وی در زمره قربانیان نباشد. پهلو دستیش که بیست سال می شناخت چی؟

احساس عجیبی به آدم دست می داد که از خودش نیز بیزار می شد. احساس می کرد که به گرگ بدل می شود.

رئیس شرکت ادامه داد. متأسفانه ما ناچار شدیم چهار نفر را اخراج کنیم که این تصمیم را به آنها ابلاغ کرده و از این جهت امروز این کارمندان سابق در این جشن شرکت ندارند. تو گوئی که باری از دوش همه برداشته شد. ترسشان به لیخنند سردی بدل شد و لرزشان را با گیلاسی شراب و یا شمپاین فرو دادند. از تیرباران اول همه حاضرین جان سالم بدر بردند. اما آیا این همه ماجرا بود؟ سخنان رئیس شرکت هنوز خاتمه نیافته بود و برای ما سال "خوبی" را آرزو نکرده بود. حتما مسایل دیگری هم بود که می خواست بر زبان بیاورد. چهره ها استوفامی بود و نگاهها شبه انگیز. ضربان قلب کنراد را در کنارم می شنیدم. جوان ۴۴ ساله و دارای سه کودک بود. حالش را حس می کردم ولی حال سایرین نیز بهتر نبود. رئیس ادامه داد. طبیعتاً با اخراج ۴ نفر مشکل ما حل نمی شود. ما تصمیم گرفتیم تلاش کنیم تعداد کمتری را اخراج کرده و یا مخرج مشترک همدردی میان سایرین ایجاد کنیم. هر کس باید از بخشی از سهم خود بگذرد تا تعداد کمتری اخراج شوند و به بازار بیکاری و گرسنگی سرازیر نشوند. این امر بنظر ما راه حل

کرده اند. (همانجا). همین روزنامه در تاریخ ۲۰۰۸/۱۱/۲۱ خبر داد که در سال ۲۰۰۹ تعداد کارگران اخراجی کارخانه های پژو و سیتروئن ۲۰۰ هزار نفر خواهد بود.

کردیت سوئیس ۵ هزار کارمند خویش را اخراج کرد. (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۰۰۸/۱۲/۵).

در آمریکا نیم میلیون نفر بیکار می شوند (نشریه زود دویچه تسایونگ ۶ و ۲۰۰۸/۱۲/۷).

بانک سیتی گروپ ۱۶۰ هزار کارمند خود را بیکار کرد. این بانک ۲۰ میلیارد پول مردم را بر باد داد و مجبور شد يك پنجم مخارج خود را از طریق اخراج و فقر دیگران جبران کند. قرار است در سال ۲۰۰۹ ۷۰ هزار نفر دیگر هم باین جمع اضافه شوند.

کارخانه کمپوتر دل ۱۱/۶۰۰ هزار نفر را اخراج کرد.

کنسرن فرانسوی ارتباطات در نظر دارد ۱۲ هزار نفر را اخراج کند. (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۰۰۹/۱۱/۱۶).

کنسرن موتورولا ۴ هزار نفر را اخراج کرد (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۰۰۹/۱۱/۱۶).

شرکت ریپوک که شرکت دختر آدیداس است ۳۰۰ نفر را اخراج کرد. (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۰۰۹/۱۱/۱۶).

این فهرست را می شود ادامه داد. سخن بر سر میلیونها بیکار و ممالک ورشکسته نظیر ایسلند، مجارستان، رومانی و... می باشد.

در افریقا مردم دسته دسته می میرند چون مواد غذایی گران شده و از قدرت خرید مردم کاسته شده است.

در چنین وضعی برخی آدمخوران که هنوز هوادار خصوصی سازیها و بیچاره کردن مردم هستند از بحران تکاملی سرمایه داری که نقش سالم سازی سامانه را دارد سخن می گویند. بنظر آنها این بحرانها طبیعی است و باید هر چند سال یکبار فرا رسد تا نقش درمانی خویش را ایفاء کرده عناصر ناسالم و تقاله های بیمار سرمایه داری را بدور بریزد تا سرمایه داری بار دیگر بشکفت و خود را برای بحران بعدی آماده گرداند. در اینکه میلیونها نفر می میزند کک آنها نیز نمی گزد. آنها ترجیح می دهند از درگیری در این بحث در روند. به عواقب بحران نیندیشند ولی از "حیثیت" سامانه سرمایه داری دفاع کنند.

بحران سرمایه... ادامه در صفحه ۱۱

انسانی به نظر آمد. چه کسی می توانست به این راه "انسانی" اعتراض کند. بعد این جمله مشهور بیان شد که ما همه در یک قایق نشسته ایم یا غرق می شویم و یا سالم به ساحل نجات می رسیم. غذاها روی میز مانده بود گوشها بیش از حد بزرگ شده بود و یا بنظر من چنین می نمود. کسی به دیگری نگاه نمی کرد چون می خواست در تنهائی خویش تنها باشد. رئیس گفت ما برای اداره شرکت و تداوم کار ده در صد از حقوق همه کارکنان کاستیم. صدای افتادن جسمی شنیده شد، برگشتم کنراد بیهوش شده بود و با تام قد و هیکلش روی زمین قرار داشت. بیچاره تازه خانه خریده بود و قسط خانه می داد. حال خرج زن و سه بچه و قسط خانه را چگونه از حقوق باقیمانده خود بپردازد. صدای شکستن کنراد با گریه سایرین که بشدت از ریختن اشک خویش خودداری می کردند عجین شد.

کنراد را بیهوش آوردند. گیج بود و دیگر کنراد سابق نبود. سایرین نیز انسانهای قبل از بحران نبودند. فضای مجلس جشن خفقان آور بود. همه یک بیک محل جشن را ترک کردند. و من صدای شکستن زندگیا را می شنیدم. بحران سرمایه داری بحران ادواری سنتی است و همواره مانند سونامی فرا می رسد و میلیونها انسان را به کام خویش می کشد و نابود می کند. سونامی سرمایه داری دین و ایمان ندارد. بدنبال سود حداکثر و غارت انسانهاست. کنراد جزء ناچیزی از این قربانهاست.

به آمار زیر نگاه کنید:

شرکت دوپون که یک کنسرن شیمی آمریکائی است ۴ هزار نفر کارکنان خویش را اخراج کرد (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۰۰۸/۱۲/۵).

کارخانه بزرگ اتومبیل سازی کرایسلر یک چهارم کارکنانش را بیرون می کند. بر اساس تخمین این تعداد میان ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر است. (نشریه زود دویچه تسایونگ ۲۶ و ۲۰۰۸/۱۰/۲۵).

کارخانه اتومبیل سازی فولکس واگن ۲۵ هزار کارگر را زمانی اخراج می کند و کارکنان خویش را برای ایثارگری و قبول فداکاری آماده می گرداند. (همانجا)

در کارخانه اتومبیل سازی رنو یک سوم کارکنان اخراج می شوند. سایر کارگران نیز تا ۴۰۰ یورو در ماه کمتر حقوق دریافت می کنند. این حقوقها معوقه نیست زیرا به کارگران به صورت دموکراتیک و داوطلبانه و نشان دادن لولوی خانه خرابی و بیکاری این از خودگذشتگی را تحمیل

پیروزی مبارزه ملی مشروط به تأمین سرگردگی طبقه کارگر است!

متحدان صهیونیست آنها در اسرائیل از هیچ جنایتی بر علیه مردمی که برای آزادی و استقلال و حق حاکمیت ملی مبارزه میکنند فروگذار نخواهند کرد.

سبعیت باند‌های جنایتکار و خون آشام اسرائیلی بدون پاسخ نمی ماند. هم اکنون در اکثر کشورهای جهان منجمله آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کره، ترکیه، اردن، مصر، ایران، اسرائیل، عراق و سوریه اعتراضات شدید به قتل عام در غزه صورت گرفته و تداوم خواهد یافت. باید مردم را بر علیه بربریت اسرائیل و برای هرچه وسیعتر و توده ای تر کردن این اعتراضات بسیج نمود.

حزب کار ایران (توفان) بار دیگر وحشیگری صهیونیست های اسرائیلی و قتل عام مردم غزه را شدیداً محکوم میکند. ما از تمام مردم آزادیخواه میخواهیم که صدای اعتراض خود را بر علیه کشتار و ویرانی در غزه رساتر کنند. قتل عام مردم بی پناه غزه باید فوراً متوقف گردد و به محاصره اقتصادی آنان پایان داده شود.

دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)

دوشنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۰۸

از یاری شما سپاسگزاریم

رفیق س برلین ۲۰ یورو
رفیق رضا ۵۰ یورو
رفیق فری ۵۰ یورو
رفیق ن. ۵۰ یورو

خارج از غزه قطع کرده اند. اسرائیل مدت بیش از دو سال است که مردم غزه را محاصره اقتصادی نموده و آنها را از حداقل امکانات زیستی محروم نموده است. در بطن این جنایات بر علیه بشریت در غزه، دولت فاشیستی اسرائیل "خواهان" آتش بس با مردم فلسطین است، آتش بسی که در آن یک طرف باید نابود شود تا طرف دیگر به اهداف نژادپرستانه و توسعه طلبانه خود دست یابد.

باند‌های جنایتکار اسرائیلی بربریت را به سطحی رسانده اند که هرچه بیشتر قتل عام کردن فلسطینی ها را معیار برتری در کارزارهای انتخاباتی خود قرار داده اند.

مسلمانان بدون کمکهای مادی و تسلیحاتی امپریالیست آمریکا دولت نژادپرست اسرائیل توان دست زدن و ادامه جنایات وحشیانه بر علیه مردم فلسطین را ندارد. امپریالیست آمریکا همواره مشوق، متحد پایدار، و تحریک کننده اسرائیل بر علیه مردم خاورمیانه بوده است.

این جنایات تازه اسرائیل در بطن شرایطی اتفاق می افتد که امپریالیست آمریکا در خاورمیانه با شکست مفتضحانه ای روبرو شده و هم اکنون با یک بحران عمیق اقتصادی و نارضایتی عمومی دست به گریبان است. در این شرایط، کشتار های جدید و گسترش جنگ به مناطق دیگر خاورمیانه زنگ خطری است که کل بشریت و بویژه مردم خاورمیانه را در معرض تهدید بسیار جدی قرار میدهد. امپریالیستهای غربی به سرکردگی آمریکا

مراسم سوگواری تولد...

داری آنطور که رسانه های گروهی و اندیشمندان سرمایه داری تبلیغ می کنند نتیجه حرص و آز و یا طمع چند سرمایه دار افسارگسیخته نیست. این گونه بحرانها ضحاکان ماردوش نظام سرمایه داری هستند و هر بار سر بلند کرده مغز کارگران و ستمیگان را برای ادامه بقاء می طلبند. این آدمواری قانون و قاعده سامانه سرمایه داری و نه گناه این یا آن فرد. سامانه سرمایه داری را باید سرنگون ساخت تا ضحاکان ماردوش نتوانند مجدداً پدید آیند.

قتل عام وحشیانه ...

دهد. این تجاوزگری و عرب ستیزی جزء ماهیت صهیونیسم بوده و خواهد بود. بیش از شش دهه است که اسرائیل با بکارگیری همین بهانه های سرهم بندی شده دست به قتل عامهای سبعانه در فلسطین زده است. تجاوز کنونی به غزه نه اولین تجاوز وحشیانه اسرائیل به فلسطینی ها است و نه آخرین آن خواهد بود. تا زمانی که نژادپرستی و صهیونیسم بر اسرائیل حاکم باشد این انسان کشی ها هم ادامه خواهد یافت.

دولت فاشیستی اسرائیل آتش بس شش ماهه که هفته پیش به پایان رسید را بارها نقض کرد. مدت بیش از سه سال است که یک و نیم میلیون فلسطینی ساکن نوار غزه در محاصره زمینی و هوایی و دریایی اسرائیل قرار دارند و هرنوع ارتباط آنها را با

(توفان الکترونیکی شماره ۳۰ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند.)

توفان الکترونیکی

شماره ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۷ فوریه ۲۰۰۸

شماره ۳۰

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

در این شماره میخوانید: گلزارخاوران شعله ای نیست که خاموش گردد در ص ۲۰، نابودی کامل امنیت شغلی و حذف حداقل دستمزد، تجاوز جدید حاکمیت به حقوق کارگران در ص ۲۶، ۳، دی، سی امین سالروز فرار شاه در ص ۵، مصاحبه با جبهه خلق برای رهایی فلسطین، (PFLP) پیرامون تجاوز اسرائیل به غزه در ص ۶، گزارشات رسیده در مورد تظاهرات و اعتراضات باشکوه مردم علیه جنایات بربرمنشانه اسرائیل در ص ۹، آغاز فروپاشی سوسیالیسم درشوروی یک بازنگری مجدد (۱۱) در ص ۱۵، پیام به کنفرانس بین المللی بیروت برای مقاومت علیه امپریالیسم، همبستگی با خلقها، و بدیلهای در ص ۱۷.

زنده باد مبارزات رهاییبخش مردم فلسطین و لبنان

مراسم سوگواری تولد عیسی مسیح

مقاله را با یک گزارشی که بدستمان رسیده است شروع می کنیم. در امسال نیز مانند سالهای گذشته در اداره ما جشن تولد مسیح برگزار شد. این به صورت یک سنت قدیمی است که صاحبکار کارمندان خویش را به شام و مشروب دعوت کرده و سال خوبی را برایشان آرزو می کند. این جشن سنتی باید به فضا و روابط دوستانه میانه کارمندان و کارمندان با صاحبان شرکت کمک کند. امسال بر خلاف سال گذشته مثل این بود که روز سوگواری و مراسم دفن حضرت عیسی برگزار می شود و نه تولد وی. محل برگزاری جشن و نوع غذاها که دیگر از گلو پاتین نمی رفت مانند سال گذشته از کیفیت بالا برخوردار نبود. دیگر از آن مشروبات دست اول خبری نبود. همه چیز دست دوم و محیط آب رفته تر شده بود. ترس از قیافه همه در این مجلس "سوگواری" می بارید. برخی دوستان قدیمی در جمع حضور نداشتند. بیمار بودند، سر ساعت نمی رسیدند و یا به مرخصی رفته بودند و یا ...

افتتاح جشن با سخنرانی سنتی رئیس شرکت بود. پس از تعارفات متداول که معمولاً در هنگام برگزاری جشنها بیان می شود به اصل موضوع پرداخت. از همان اول روشن بود که به سختی نفس می کشد و گلویش خشک بوده و مرتب آب گلویش را قورت می دهد. امسال برخلاف سال گذشته مجبور شدیم که مراسم جشن را بسیار محدود برگزار کنیم. زیرا بحران مالی در خانه شرکت ما هم نشسته است. ساختمان ساخته نمی شود و بسیاری از سفرشات پس گرفته شده و برای آنچه مانده بانک وام نمی دهد. با توجه باین وضع اسف انگیز که باور کنید ما را نیز بشدت تحت فشار قرار داده مجبور شدیم در شرکت به تغییراتی دست بزنیم که آنرا با ناراحتی وجدان انجام دادیم. آنوقت نگاهی از زیر عینک به همه کرد و نشانه های رعب و وحشت را ظاهراً در چهره... ادامه در صفحه ۱۰

قتل عام وحشیانه مردم غزه توسط دولت صهیونیستی اسرائیل محکوم است!

در ساعات اولیه روز شنبه ۲۷ دسامبر، دولت فاشیستی اسرائیل با دهها فروند جنگنده اف-۱۶ و صد ها هلیکوپتر نوار غزه را مورد تجاوز قرار داد. صدها نقطه شهر منجمله مراکز پلیس، خانه های مسکونی، بیمارستانها، اردوگاههای آوارگان، وزارت کشور، مراکز آموزش عالی، و مساجد در یک وحشیگری کم سابقه ای مورد هدف بمباران هوایی قرار گرفت و طبق آمار کنونی بیش از ۳۰۰ نفر کشته و ۲۰۰۰ نفر زخمی شده اند. کودکان، زنان، کهنسالان، و شهروندان غیر نظامی در بین کشته شدگان و زخمی ها دیده میشوند. بمبارانهای وحشیانه و سنگین به غزه همچنان ادامه دارد و شمار کشته شدگان و زخمی ها هر ساعت در حال افزایش است.

حزب کار ایران (توفان) این حملات بربرمنشانه صهیونیستهای اسرائیلی به نوار غزه را شدیداً محکوم میکند.

دولت تجاوزگر اسرائیل مدعی است که این حملات را به تلافی پرتاب موشک از سوی سازمان حماس به اسرائیل انجام میدهد. مسلماً کسی برای این ادعای پوچ پشتیبانی هم ارزش قائل نیست زیرا موشک های دست ساز حماس که با چند کیلوگرم مواد منفجره ابتدائی پرتاب میشوند نه قدرت تخریبی چندانی دارند که دولت اسرائیل نگران آن باشد و نه برد چندانی دارند که مراکز استراتژیک اسرائیل را مورد هدف قرار دهند. حقیقت آن است که دولت نژادپرست اسرائیل نمیتواند بدون توسعه طلبی، بدون اشغال فلسطین، و بدون سرکوب اعراب بزندگی جنایتکارانه خود ادامه... ادامه در صفحه ۱۱

Workers of all countries, unite!

Toufan
توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 107 – Fev. 2009

قطعه نامه کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی در مورد بحران سیستم امپریالیستی

همینکه بلوک سابق کشورهای "سوسیالیست" اروپای شرقی و در راس آن اتحاد شوروی از هم پاشید و پس از اینکه دیوار برلن فرو ریخت، سخنگویان امپریالیسم و ارتجاع از هر سو فریاد پیروزی سر دادند، یکبار دیگر بر «مزار» مارکسیسم نماز حاجت خواندند. حضرات مدعی شدند که گویا انقلاب به گذشته تعلق دارد. گفتند که گویا بشریت به «پایان تاریخ» رسیده، سرمایه داری قابلیت دوام داشته و قادر است تا به توسعه بدون بحران خود ادامه دهد، یک نظام اجتماعی ابدی است. دیری نپائید که همه این اراجیف، تبلیغات دروغین نقش بر آب شد. این تحرک خود نظام سرمایه داری بود که بر مهملات حضرات مهر باطل ... ادامه در صفحه ۹

www.toufan.org صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزافست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany